

Shiraz-Beethoven.ir

فهرست

- پیشگفتار ۷
- ساختار وحدت‌مدار موسیقی ایرانی ۹
- هفت شاخص ساختاری و زیباشناختی موسیقی ایرانی ۱۲
- شاخص مرکزگرایی ۱۲
- شاخص درون‌نمایی (برون‌ریزی) ۱۴
- شاخص شیدایی ۱۷
- شاخص شهودگرایی ۲۲
- شاخص مایه‌گرایی ۲۶
- شاخص سادگی ۲۸
- شاخص زینت‌گرایی ۲۹
- زمان‌داری موسیقی ایرانی ۳۳
- چهار نوع مایگی در موسیقی ایرانی ۳۹
- دور ماهور ۴۱
- دور چهارگاه ۴۳
- دور شور ۴۵
- دور همایون ۵۰
- تم‌های هفت‌گانه موسیقی ۵۴
- تم آرام‌بخش ۵۶
- تم فرح‌بخش ۵۷
- تم نیروبخش ۵۹
- تم شیدایی ۶۱
- تم حزین ۶۲
- تم هیجانی یا هیستریکال ۶۳
- تم خلسه‌آور ۶۴

Shiraz-Beethoven.ir

- ۶۶ خلسه‌های موسیقایی
- ۶۷ الگوهای امواج مغزی در حالت خلسه
- ۶۸ خلسه‌های سماعی و شمنی
- ۷۲ خلسه‌های هیجانی
- ۷۴ مفهوم زیباشناسی موسیقی
- ۷۵ زیبایی جلوه‌ی کثرت موزون در وحدت
- ۷۷ عوامل مؤثر در درک موسیقی
- ۷۸ گستره‌ی تحولی زیباشناختی
- ۸۱ موسیقی مخدر و متعالی
- ۸۲ لذت و موسیقی
- ۸۳ مقصود از موسیقی طرب‌انگیز
- ۸۶ آفت موسیقی لذت‌طلبانه
- ۸۷ موسیقی و حالات عرفانی
- ۸۸ ردیف موسیقی ایرانی و توجهات باطنی
- ۹۰ موسیقی، صلح و وحدت جهانی
- ۹۶ منابع

شهود و دریافت‌های بداهه، شیوه‌ای از ادراک و ارتباط ذهنی است که انسان را به گونه‌ای ظاهراً غیرمنطقی و نامنظم به ادراک‌ها و الهامات درونی می‌رساند و وجود را با محیط پیوسته یکپارچه می‌کند. در واقع تفاوت شهود و فکر در درک امور در سرعت جذب و دریافت آن است. شهود با جریان توجه درونی و بداهه، الهام می‌گیرد و ایده‌های موسیقایی می‌آفریند و فکر هم با منطق و استنباط می‌کاود و کشف می‌کند. هر دو روش مکمل هم‌دیگرند و هر کدام به نیمکره‌ای از مغز متمرکزتر.

موسیقی به لحاظ ظرفیت شهودی می‌تواند خیال را از سطح تا عمق در قالب تمثیل و تمثیل موسیقایی و ملودیک سیر دهد تا حدی که معانی با تخیل در صور مختلفی از تجسمات ذهنی و هنری جلوه‌گر شود. معانی مجرد موسیقایی به واسطه حس تخیل شکل و صورت پیدا می‌کند و ملموس می‌شود. به عبارت دیگر خیال موسیقایی می‌تواند به افکار شهودی کمک کند تا در سیری نزولی مدرکات درونی را در قالب شکل و صورت متجلی کند، و الهام را در اشکال ملودی‌های فعال سازد.

اما ظرفیت ارزنده شهودی موسیقی ایرانی در دست نوازنده مجرب و با تکنیک غنی معنا و مفهوم عملی پیدا می‌کند. آزادی ریتمیک گوشه‌ها تداعی‌ها را آزاد می‌کند که برای نوازنده‌ی بی‌حوصله مفری برای رها کردن خود در جریان‌های ریتمیک سهل‌الوصل و تکراری و فرافکن است.

بداهه‌ی خلاق با تداعی‌های برون‌فکنی شده تفاوت دارد، سادگی و روانی ریتم در موسیقی ایرانی، تسلسل‌ها و تداعی‌های خودکاری را

و هوشیاری باطنی است، می‌تواند فراتر از هر تجربه و دریافت و متعالی‌تر از هرگونه ادراک تجربی عمل کند. نیروی عقل و منطق، شناخت می‌آفریند و الهام روش‌بینی، شهود و باورهای قلبی را می‌سازند. منطق و شهود هر دو وجه فطری مغز هستند که با کمک همدیگر امکان سازگاری با جهان و پیشرفت در آن را ممکن می‌سازند. علاقه‌مندان برای آگاهی مفصل از حواس شهودی و آثار آن به کتاب روان‌شناسی وحدت‌مدار نشر قطره تألیف نگارنده رجوع کنند.

دوره‌های موسیقی ایرانی که مایه و حالت موسیقی را می‌سازد و از کیب دانگ‌ها و غالباً دو دانگ به وجود می‌آید به چهار گروه تقسیم می‌شود.

دوره ماهور

دوره ماهور شبیه گام بزرگ غربی (ماژور) است که دارای نشاط و اعتدال است و ظرفیت ایجاد الحان دلپذیر و روح‌بخشی را دارد که می‌تواند امیدواری و نیرو و تعادل را برانگیزد. از گوشه‌هایی که در این دستگاه در ردیف میرزا عبدالله و دیگر اساتید نام برده شده فقط تعدادی از گوشه‌های معرف فواصل فیزیکی دستگاه ماهور است که از دور مخصوص ماهور، یعنی دور ماهوری تشکیل شده‌اند و گوشه‌های دیگر که مستعد مدگردی هستند از دوره‌های شور و چهارگاه ساخته شده‌اند. دستگاه ماهور گرایش طبیعی و ملایم به سه دور و مایگی بنیادین دیگر دوره‌های چهارگاه، شور و همایون) دارد و به سادگی می‌تواند تغییر حالت دهد و در مایه دیگر دستگاه‌ها وارد شود. فواصل گوشه‌های دستگاه ماهور، حدود دو اکتاو و نیم را پوشش می‌دهد. از نظر احساسی مایه‌ها و گوشه‌های دستگاه ماهور که مختص دانگ آن است، آرام‌بخش، متعادل و با ثبات هستند و نوسان در خُلق و روحیه به وجود نمی‌آورند. با متانت از حالتی به حالت دیگر ورود و خروج پیدا می‌کنند و به دلیل ثبات خُلقی فواصل ماهور، دیگر مایه‌ها را بدون فشار و بی‌تابی و فغان در خود می‌پذیرد و بدون دل‌تنگی و شوریدگی به حال اول خود رمی‌گردند. از این رو دوره ماهور را دور «مادر» موسیقی ایرانی خواندم.

دوره ماهوری حدّ معقول و ملایم ادراکات شهودی و شیدایی ردیف است. به سبب ثبات ارتعاشات طبع این دستگاه ملایم و پذیرنده و گرم و راحت است. لذا فواصل ماهور نسبت به تغییرات سریع، چندان حساس و شوریده و بی‌تاب نیست، به آرامی می‌تواند به درون دوره‌های

موسیقی در حد یک واسطه عمل می‌کند و الحان مطبوع آن تنها ابزاری برای تمرکز ذهن و محرکی برای تداوم حال است و مهم‌تر از موسیقی شرایط ذهنی و هدف شخص از موسیقی و آمادگی برای تمرین توجه است. خلسه‌ی موسیقایی زمانی آرامش می‌دهد که با هیجان‌زدگی آمیخته نباشد، موسیقی هیجانی مانع تمرکز درونی و جذب الهام و شهود می‌شود.

در مجموع گردش‌های ملودیک موسیقی ایرانی ظرفیت فوق‌العاده برای تمرکز خُلق دارد و لحن نغمات ردیف ایرانی برای القا عمیق مفاهیم و اذکار معنوی بسیار قوی است. نغمات و الحان ردیف موسیقی ایرانی عمیق‌ترین حالت خُلقی برای تأثیرپذیری اذکار معنوی را به‌وجود می‌آورد یعنی نغمات دستگاه‌های ایرانی می‌تواند به بهترین وجهی احساسات و اندیشه را برای ارتباط با اذکار و اشعار معنوی آماده کند.

الگوهای امواج مغزی در حالت خلسه

به‌طور کلی چهار الگوی موجی در مواقع مختلف هوشیاری و ناهوشیاری یا فراهوشیاری بر مغز غالب است که توسط دستگاه الکترو آنسفالوگراف (EEG) با اندازه‌گیری پالس‌های حاصله از نوروها ثبت و نشان داده می‌شود. چهار الگوی امواج مختلف مغزی شامل امواج بتا، آلفا، تتا، دلتا است، هر الگو ویژگی و حالت مشخصی از آگاهی را در فرد به‌وجود می‌آورد، امواج بتا که ۱۴ سیکل در ثانیه و بالاتر دارد وضعیت بیداری عادی و توجه فرد به محرک‌های بیرونی را نشان می‌دهد، امواج آلفا ۱۳-۸ سیکل در ثانیه است و در حالت رویا و خیال پردازی‌های مانند زمان رفتن به خواب شکل می‌گیرد. امواج تتا ۷-۴ سیکل در ثانیه دارد و در هنگام خواب و تمرینات مراقبه و روشن‌بینی عمیق بیش‌تر شکل می‌گیرد. امواج دلتا ۳-۰/۵ سیکل در ثانیه دارد و در هنگام خواب و مدیتیشن‌های بسیار عمیق پدیدار می‌شود.